



مفهوم عشق در اندیشه ابن سینا و روزبهان بقلی شیرازی

سمیرا افراز^۱

دانشجوی دکتری گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اسماعیل بنی اردلان (نویسنده مسئول)^۲

دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

هادی ربیعی

استادیار گروه فلسفه هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲

چکیده

یکی از مهم ترین مسائلی که در حوزه عرفان و فلسفه مورد اهمیت قرار گرفته است، مفهوم عشق است. عشق از بدو ورود خود به حوزه فلسفه و عرفان، تفاسیر متفاوتی با خود به ارمغان آورده است. بیشتر تفکرات متعالی فلاسفه و عرفا در این مبحث جای گرفته است. در این میان دو زاویه دید مهم فلسفی - عرفانی جهت تبیین مفهوم عشق به کار رفته اند. ابن سینا و روزبهان بقلی به عنوان دو چهره شاخص در مکتب عشق شناسی به عنوان فیلسوف و عارف در حوزه عشق مباحث مبسوطی را ارائه کرده اند. در پژوهش حاضر با بهره گیری از اندیشه های ابن سینا و روزبهان بقلی، به تحلیل محتوایی مفهوم عشق به روش توصیفی تحلیلی در نزد آنها پرداخته شده است، با تشریح و تبیین مفهوم عشق در اندیشه این بزرگان، مشاهده خواهد شد، با توجه به تقدم زمانی ابن سینا نسبت به روزبهان بقلی، روزبهان در بسیاری از آرای خویش تحت تاثیر مکتب عشق شناسی ابن سینا بوده

^۱ samiraafraz20@gmail.com.

^۲ bani.ardalan@yahoo.com

است، در این میان نکات مشترکی بین اندیشه های این دو فیلسوف و عارف قرار داشته، که تأثیرات ابن سینا در حوزه عشق شناسی به روزبهان کاملاً مشهود خواهد شد. از مهمترین نکات مشترکی که در این مباحث به کار رفته است، ماهیت عشق، سریان عشق در نظام هستی، عشق و محبت، عشق به زیبا رویان، عشق و جمال، عشق و کمال، عشق عقلی، عشق بهیمی، عشق عفیف، در نهایت این پژوهش نشان می دهد که هرچند در بعضی موارد از اصطلاحات خاص خود استفاده کرده اند، اما در نهایت منشاء فکری آنها رسیدن انسان به عشق واحد، یعنی ذات اقدس است.

کلمات کلیدی: عشق، فلسفه، عرفان، ابن سینا، روزبهان بقلی

۱. مقدمه:

یکی از مهم ترین مسائلی که در حوزه عرفان و فلسفه مورد مذاقه قرار گرفته است، مفهوم عشق است. عشق از بدو ورود خود به حوزه فلسفه و عرفان، تفاسیر متفاوتی با خود به ارمغان آورده است. سهرودی در تعریف عشق این گونه تعریف می کند: «عشق را از عشقه گرفته اند که درباغ پدید می آید، درین درخت اول بیخ در زمین سخت کند، سپس سر برآرد و در درخت می پیچد و همچنان می رود تا جمله درخت را فرا گیرد و چنانش در شکنجه کند که نم در میان درخت نماند...» (سهرودی، ۱۳۸۸: ۲۹). در این مقاله با توجه به دو رشته فلسفه و عرفان، هرکدام به گونه ای مفهوم عشق تعبیر می گردد «در عرفان اسلامی عشق جایگاهی ویژه دارد. چون عشق یاری گر عارف برای رسیدن به غایت هدف او که شناخت خداوند است، می باشد». (زنگنه، شکری ۱۳۹۴: ۱). به بیانی دیگر «شاید بتوان گفت که ریشه مکتب عرفان، حکمت، جهان بینی و سیر و سلوک ارباب معرفت بر عشق استوار است و سیر اندیشه و تلقی علمای اخلاق فیلسوفان و متکلمان در نهایت با تفکر عارفان برجسته بسیار نزدیک می شود؛ آنگونه که ابن سینا، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، مولانا، عطار، شیخ محی الدین عربی و غزالی طوسی را در منازل یک طریق می توان دید. از این روست که در آثار آنان هر گاه سخن از عشق به میان می آید، این مفهوم، پیش از آن که انتقال دهنده بار عاطفی باشد، حاصل تاملات حکمی آنان در این زمینه است. به عبارت دیگر آنچه که آنان را مست و سرشار می نماید، اصل و حقیقتی است که در کلام نمی گنجد» (نیاکار ۱۳۹۵: ۹۹). عشق برگرفته از سوی فلاسفه در واقع بیانگر همان صفات ذات اقدس است و محبتی است که از سمت ذات اقدس سیر نزولی به سمت انسان دارد؛ ولی عشق بر مبنای عرفان تعبیری غیر از این دارد؛ عرفا عشق را بر مبنای کشف و شهود و ذوق هنری خود بیان می کنند که منشا آن یک اصل واحد یعنی منشا ربانی است. اما به طور کلی برای رسیدن به مقام عشق باید محرکی باشد که هرچیز را به سمت بالا رهنمون کند. این سرگشتگی و شیدایی خود دلیل محکمی است تا ابن سینا و روزبهان بقلی را به مکتب عشق -

شناسی سوق دهند. ابن سینا جزو اولین فیلسوفانی است که مباحث مستقلی در باب عشق‌شناسی مطرح کرده است. فراهانی‌پور درباره ابن سینا این چنین بیان کرده است: «وی توانسته عرفان و فلسفه را با هم جمع کند و مقدمات ارتباط این دو رشته را فراهم کند. درحقیقت ابن سینا نشان داده که شهود عرفانی و کرامات عرفا از نظر علمی و فلسفی امر ممکن است؛ به گونه‌ای که دیگر فیلسوفان مسلمان در عشق‌شناسی خود متأثر از آثار او هستند. عرفان ابن سینا عرفانی عقل‌گراست؛ یعنی اعتقاد او بر این است که عقل و فلسفه، عرفان را قبول دارد، در نتیجه در بعضی موارد عقایدی شبیه عقاید عرفا دارد، یعنی عقاید عرفانی که از نظر فلسفه مورد تایید است» (فراهانی‌پور ۱۳۹۴: ۱۶). آثار ابن سینا به نحوی هستند که می‌توان درباره مفهوم عشق ابعاد مختلف از قبیل جنبه‌های فلسفی، عرفانی و حتی طبی را مشاهده کرد؛ چنانچه وی در رساله فی‌العشق از جنبه فلسفی و عرفانی عشق را بیان کرده است. ابن سینا با بیان استدلال‌هایی درباره عشق به بعد فلسفی توجه داشته است؛ ولی زمانی که کل کاتنات را سرشار از عشق خوانده و از اصطلاحات تجلی و علت در ارتباط با عشق سخن گفته وی جنبه عرفانی را مد نظر داشته است. همچنین در قانون از بعد طبی به مقوله عشق نگریسته است. روزبهان بقلی عارفی است که به عارف مکتب جمال‌پرستی مشهور است، وی تقریباً در تمامی آثار خویش به صورت پراکنده به مبحث عشق‌شناسی توجه کرده است. اما در رساله عبهرالعاشقین به صورت منسجم و مبسوط تحلیل کرده است. در رابطه با مفهوم عشق از دیدگاه این دو متفکر، هرچند تحقیقات جامع و ارزنده‌ای در حوزه عشق‌شناسی انجام شده است؛ ولی تا کنون در هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین، به به تاثیراتی که ابن سینا در حوزه عشق‌شناسی بر روزبهان بقلی داشته است انجام نشده است و از این نظر این پژوهش نو آوری دارد.

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آرای ابن سینا و روزبهان، به نوعی نگاه وجودی و عرفانی ابن سینا و روزبهان را به مقوله عشق منعکس می‌نماید، و به تحلیل آثار هر دو عارف و فیلسوف در زمینه عشق می‌پردازد. در تحلیل محتوایی مفهوم عشق از دیدگاه ابن سینا و روزبهان بقلی، نکات مشترکی وجود دارد که با توجه به تقدم زمانی ابن سینا، می‌تواند گویای این باشد که شاکله برخی از نکات عشق‌شناسی روزبهان متأثر از تفکر و اندیشه‌های ابن سینا بوده است. در این پژوهش تفکرات ابن سینا و روزبهان بقلی شیراز، درباره عشق در نه مولفه مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- ماهیت عشق ۲- سریان عشق در نظام هستی ۳- عشق و محبت ۴- عشق به زیبا رویان ۵- عشق و جمال ۶- عشق و کمال ۷- عشق عقلی ۸- عشق بهیمی ۹- عشق عقیف.

تا کتون پژوهشهای متعددی در رابطه با مضمون عشق شناسی در باره دیدگاههای ابن سینا و روزبهان بقلی شیرازی در زمینه های مختلف انتشار یافته است. اما به طور خاص در هیچکدام از این آثار، به تحلیل مفهوم عشق به صورت مشترک از دیدگاههای ابن سینا و روزبهان بقلی نپرداخته اند.

خادمی و کرمی (۱۳۹۳) مقاله «تبیین هستی شناسانه ابن سینا پیرامون عشق» به بررسی هستی شناسانه عشق ابن سینا پرداخته است. کلهر و میرزایی (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان «تفاوت عشق شناسی سینوی و افلاطونی» در این مقاله به ریشه اختلاف عشق شناسی این دو اندیشمند که به فلسفه غرب و اسلام برمیگردد بررسی شده است و از دیدگاه هستی شناسانه به نتایج الاهیاتی رسیده است. شانظری و یاریان (۱۳۹۳) در مقاله «رساله العشق» ابن سینا و تاثیر آن در ملاصدرا» از تاثیری که ملاصدرا در فلسفه خویش از ابن سینا گرفته است بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که ملاصدرا بر مبنای اصالت وجود، تحت تاثیر عشق شناسی ابن سینا قرار گرفته است که همه موجودات دارای حیات می داند و عشق به عالم بالا دارند. مفتونی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی همه عشق انگاری نزد ابن سینا و شیخ اشراق». به بررسی تطبیقی عشق عقلی ابن سینا و شیخ اشراق پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که شیخ اشراق در رابطه با عشق عقلی تحت تاثیر ابن سینا قرار گرفته است. و تنها به عشق عقلی ابن سینا پرداخته است و در دیگر موارد عشق شناسی ابن سینا بحثی صورت نگرفته و همچنین هیچ اشاره ای به عشق شناسی روزبهان بقلی نشده است. در صورتی که در پژوهش حاضر به تمام این موارد پرداخته است. سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۳). «عشق طریقی به سوی کمال انسانی (مقایسه بین نگاه ابن سینا و ملاصدرا)». به بررسی تاثیری که ملاصدرا در زمینه عشق از ابن سینا گرفته پرداخته است و به این نتیجه رسیده که ملاصدرا عشق مجازی که به عشق حقیقی می رسد و در نهایت به کمال میرسد را از ابن سینا گرفته است. حیدری (۱۳۹۷) پایان نامه ارشد «بررسی تحلیلی تطبیقی عشق در آثار ابن سینا، ملاصدرا، مولانا و عطار». در این پژوهش به بررسی تطبیقی مفهوم عشق در آثار ابن سینا، ملاصدرا، مولانا و عطار پرداخته است و بر اساس نظام و مکتب فکری آنان این پژوهش به انجام رسانده است. حیدری (۱۳۹۲). پایان نامه ارشد «بررسی مقایسه ای مفهوم، لوازم و آثار عشق از دیدگاه ابن سینا و مولانا». در این پژوهش به بررسی مفهوم عشق بین ابن سینا و مولانا پرداخته است، اما هیچ اشاره ای به تطبیق عشق ابن سینا و روزبهان نپرداخته است. مرزانی (۱۳۹۲). پایان نامه ارشد «بررسی سریان عشق در کائنات در تفاسیر فلسفی و عرفانی». در این پژوهش به بررسی مفهوم عشق از بعد فلسفی و عرفانی نگریسته و دیدگاههای عرفا و فلاسفه را به طور کلی بررسی کرده است، اما هیچ تحلیلی از مفهوم عشق شناسی ابن سینا و روزبهان بقلی صورت نگرفته است و فقط به صورت کلی به مفهوم عشق فلسفی و عرفانی پرداخته است. ملبویی (۱۳۹۱). پایان نامه ارشد «عشق و زیبایی از دیدگاه ابن سینا و شیخ اشراق». در این پژوهش به نسبت زیبایی و عشق بین ابن سینا و شیخ اشراق بررسی کرده است، همچنین از تمام

آثار ابن سینا تحلیل انجام نشده است در صورتی که در پژوهش حاضر تمام آثاری که ابن سینا در آن به مبحث عشق پرداخته است بررسی گردیده. فراهانی پور (۱۳۹۱). رساله دکتری «عشق و نقش آفرینی آن در کمال وجودی انسان با تکیه بر آراء ابن سینا و ابن عربی». در این رساله به بررسی مفهوم عشق در مراتب هستی با تکیه بر آرا ابن سینا و ابن عربی پرداخته است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که عشق انسان را به مرحله کمال می‌رساند ولی به دیگر مباحث در مورد عشق نپرداخته است. در این رساله هیچ اشاره ای به تطبیق عشق ابن سینا و روزبهان بقلی انجام صورت نگرفته است.

اسفندیار و کوشالی (۱۳۸۹). «مفهوم عشق از دیدگاه روزبهان بقلی شیرازی» به بررسی مفهوم عشق روزبهان بر اساس کتاب عبهرالعاشقین پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که از طریق عشق انسانی به عشق ربانی می‌رسیم و فقط به بررسی مفهوم عشق از دیدگاه روزبهان پرداخته است، اما در پژوهش حاضر بررسی مفهوم عشق از دیدگاه ابن سینا و روزبهان انجام شده است. نزهت و همکاران (۱۳۹۷). «سیر و تطور نظریه «عشق» در آرا و اندیشه های عرفانی - فلسفی روزبهان و ابن دباغ». که بر اساس اندیشه های ابن دباغ و روزبهان به مراحل طبقه بندی عشق بر اساس دو کتاب عبهرالعاشقین روزبهان بقلی و همچنین مشارق نوار القلوب فی مفتاح اسرار الغیوب ابن دباغ قیروانی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که هر دو این بزرگان با توجه به مکاتب فکری خویش و اصطلاحات خاص خود به توانمندی مفاهیم عرفانی پرداخته اند. در صورتی که در این جستار به بررسی مفهوم عشق ابن سینا هم پرداخته است. افشونی (۱۳۹۲). در پایان نامه ای با عنوان «عشق از دیدگاه روزبهان بقلی شیرازی». به بررسی مفهوم و جایگاه عشق از دیدگاه روزبهان بقلی پرداخته است، در این پایان نامه هر چند به صورت کامل به بررسی نظریه عشق در آثار روزبهان پرداخته است، اما هیچ اشاره ای به مفهوم عشق نزد ابن سینا نداشته است. کریمی نیا (۱۳۹۵). در پایان نامه ای تحت عنوان «تحلیل و طبقه بندی عشق و مفهوم آن از دیدگاه عین القضاة همدانی و روزبهان بقلی». در این پایان نامه به بررسی تطبیقی مفهوم عشق و مراتب عشق از دیدگاه عین القضاة همدانی و روزبهان بقلی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که هر دو عقیده به اطلاق عشق به ذات حق نسبت داده اند. ابراهیم تبار و نجفی (۱۳۹۷). «تحلیل بینامتنیت مولفه عشق در عبهرالعاشقین وصفات العاشقین». به تحلیل مولفه عشق در عبهرالعاشقین روزبهان وصفات العاشقین هلالی جغتایی با رویکرد بینامتنی پرداخته و به این نتیجه رسیده که تاثیری که هلالی جغتایی از روزبهان گرفته صرفاً تقلید محض نیست. علمی و غروی (۱۳۸۷). «نسبت میان اندیشه عشق انسانی و عشق ربانی در اندیشه روزبهان بقلی». به بررسی دونوع عشق انسانی و ربانی بر اساس کتاب عبهرالعاشقین پرداخته و به وجه تمایز بین عشق شناسی روزبهان با دیگر عرفا که معتقد به عشق مجازی بوده اند انجام داده است، و هیچ بحثی در دیگر آثار روزبهان در رابطه با عشق شناسی انجام نشده است، و تنها به عشق انسانی و ربانی روزبهان بر اساس کتاب

عبر العاشقین پرداخته است و هیچ رد و نشانی از مفهوم عشق شناسی ابن سینا هم وجود ندارد. کاظمی فر (۱۳۹۸). «روزبهان و عشق به زیبارویان: تحلیل ساخت گرایانه تجربه های عرفانی روزبهان». به بررسی عشق زیبایی انسان براساس کتاب کشف الاسرار پرداخته و به اینکه روزبهان درکشف و شهودات خویش خدا را به صورت انسان زیبا مشاهده کرده است رسیده است در این مقاله فقط به مبحث عشق به زیبا رویان روزبهان پرداخته است و دیگر از هیچ نوع عشق شناسی روزبهان نامی نبرده است و تنها از کتاب کشف الاسرار به مفهوم عشق پرداخته است، اما در پژوهش حاضر تحلیل های گسترده تری از دیگر آثار روزبهان پرداخته شده است و همچنین به تحلیل عشق ابن سینا پرداخته شده است. نیازکار (۱۳۹۸). «سلوک عشق در مکتب سعدی و روزبهان». به بررسی ماهیت عشق در عشق شناسی روزبهان و سعدی پرداخته و به تطبیق مولفه های مشترک عشق شناسی روزبهان و سعدی پرداخته و تاثیراتی که روزبهان از سعدی گرفته است نشان داده است، و به تحلیل عشق ابن سینا پرداخته است، در صورتی که در این مقاله به تحلیل عشق ابن سینا و روزبهان با هم پرداخته شده است.

۲. تجزیه و تحلیل

۲-۱. ماهیت عشق:

از نظر ابن سینا، عشق گونه ای بیماری است، این تعریف عشق در واقع منشاء تمام ماهیت عشق می باشد. ابن سینا در کتاب قانون دیدگاه متفاوتی را ذکر کرده است. در واقع ابن سینا در این جا از نگاه طبی به مفهوم عشق نگریسته است. «عشق عبارت از مرضی است و سوسه ای که به مالیحولیا شباهت دارد. مالیحولیا بیماری است که فکر و پندار در آن از مجرای طبیعی بیرون می رود و سر به تباهی و ترس می کشد. سبب این بیماری این است که انسان فکر خود را به کلی به شکل و تصویری مبذول می دارد و در خیالات خود غرق میشود». (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۵۲۴). «ابن سینا در اندیشه حکیمانه خود، در تمامی موجودات، میلی طبیعی و شوقی غریزی را نهادینه میداند، بدون آنکه این میل و شوق را با عناوینی چون عشق به کمال، حب ذاتی فطری و ... مطرح سازد و عشق تنها در ارتباط با ذات باری تعالی درین آثار بیان میشود». (خادمی؛ باغخانی، ۱۳۹۳: ۷۲). طبق گفته خادمی و باغخانی در این جا ابن سینا از بعد فلسفی به مقوله عشق پرداخته است. آنچه که از این تعبیر و تفاسیر استنباط میشود این سینا مدعی غریزی بودن عشق در کل عالم هستی است و هر موجودی بنا به درجه ای که دارد از عشق بهره مند میشود.

طبق چارچوب مکتب عرفانی روزبهان، هیچ واژه ای به اندازه عشق، کثرت وقوع و تناوب نداشته است بنا به نظر روزبهان عشق صفتی از اوصاف ذات اقدس است: عشق صفت ذات اقدس است این صفت از ازل وجود

داشته و قدیمی است. بعد بر ارواح عارفان تجلی کرد، در عشق هیچ غرضی وجود ندارد و امر و نهی در عشق باطل شده است. (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶، ۵۹). از این منظر است که روزبهان عشق را به جانب حضرت حق سوق داده است و عشق را با مفهوم انتزاعی بررسی کرده است، عشقی که نهایت کمال است، چون سیر نزولی پیدا کرده و از جانب حق بر برگزیدگان خویش متجلی شده است. در جایی دیگر از ازلی بودن عشق و پیوند بین عشق و محبت سخن رانده است و بر این نکته تاکید دارد که خداوند از طریق صفات خویش یعنی عشق، بر روح انسان تجلی کرده است و انسان را به کمال رسانده است و وقتی که انسان غرق عشق میشود، نفس و روحش لطیف و روحانی می‌گردد: «پس عشق، کمال محبت است و محبت، صفت حق است، «در اسم غلط مشو که عشق و محبت یکی است. صفت اوست و قائم به ذات اوست» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۳۸).

۲-۲. سریان عشق در نظام هستی:

ابن سینا به طور منظم به هستی شناختی عشق در تمام کائنات پرداخته است. بنا به گفته زارع: ابن سینا اهمیت ویژه ای به تاویل و تشریح مفهوم عشق در نظام هستی داشته است. (زارع، ۱۴۰۰: ۲). و در این مورد چنان پیشرفتی حاصل نموده است که این عشق را در ذات حق هم مورد مذاقه قرار داده است، از نظر ابن سینا هر چیزی که در کائنات وجود دارد، نوعی کشش فطری و غریزی به سمت کمال دارد، که این کشش به سمت کمال نقصان ناپذیر است، پس از نظر ابن سینا، بخاطر وجود عشق است که اشیاء وجود دارند. وی در رساله العشق خویش سریان عشق را این گونه تعبیر و تفسیر می‌کند: سریان عشق را در کل نظام هستی مستدام مبینند، از نظر وی این گونه نیست که عشق متعلق به انسان باشد، بلکه در تمام موجودات و هستی، ساری و جاری است. (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۴۰۶) طبق نظر فراهانی پور: ۱- به واسطه عشق غریزی که در وجود موجودات نهادینه شده، به سمت خیر مطلق عشق ورزی می‌کنند ۲- خیر مطلق منبع تجلی به عشاق است ۳- معیار تجلیات نزدیک بودن به خیر مطلق است ۴- اولین مرحله تجلی ذات اقدس ملک الهی است که به قول فلاسفه عقل فعال یا به نوعی عقل اول است (فراهانی پور، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۰). آنچه که باعث ایجاد موجودات می‌شود، تجلی ذات اقدس است، از آنجا که وجود ذات اقدس باعث به وجود آمدن معلولات است، بنابراین همه موجودات از تابش تجلیات ظهور او موجود میشوند، در غیر این صورت هیچ موجودی خلق نمی‌شد (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۴۰۷).

روزبهان عارفی است که به ودیعه عشق از طرف خداوند و نهادینه شدن آن در تمام سریان هستی معتقد است. روزبهان میان عاشق و معشوق پیوندی ناگسستنی می‌بیند که سر منشاء همه آنها به عشق ذات اقدس بر میگردد. بر این اساس روزبهان عشق شناسی انسان را الهام گرفته از الهیات می‌داند. «خیر کلی که منافع اهل

دارین است، از جمیع آدمیان در عاشق و معشوق نشان کرد، زیرا که عشق، عاشق و معشوق از تاثیرات الهیات آمد.» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۳). پس عشق از ازل وجود داشته است.

«...آینه زیبایی و جمالش ساخت تا ناظران معارفش و دیده عاشقانش بر کشف ردای عظمت و کبریايش نظاره کنند» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۸۸) «...آدمی بدون احساس تجلی، هرگز به آستانه عشق آنچنان که روزبهان در مییابدش نمیرسد. نقش در آینه تجسد نیافته، بلکه با بروز در آینه کسی را میبیند و به خود مینمایاند که خود او به خود در آینه مینگرد و نقش تصویری از آن است.» (شایگان، ۱۳۸۷: ۳۵۰).

۲-۳. عشق و محبت:

ابن سینا و روزبهان هر دو معتقد به ارتباط دوسویه بین عشق و محبت هستند، و هر دو اذعان دارند که بدون محبت عشق حاصل نمی گردد و این محبت محبتی است که از سمت ذات اقدس، متجلی گردیده است.

منصوری لاریجانی فرق بین محبت و عشق را این گونه تعریف کرده است: بین محبت و عشق تفاوت وجود دارد: هر موجود زنده ای به صورت غریزی محبت در وجودش نهفته شده است، اما عشق خصلت غریزی بودن ندارد و نیروی عشق، محرک آن است. از راه محبت به تنهایی بزرگترین کارها انجام نگرفته است، اما قدرت عشق خطیر تر است. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۶).

ابن سینا نظر به این دارد که در عشق و محبت جذبه ای وجود دارد که این خود باعث شده است که عطف تمام موجودات وابسته به این دوازه شود. در تمام آنچه که جمادات را شامل میشود به شکل قوه جاذبه و در نباتات به صورت قوه نباتی و در حیوانات به صورت غریزی نمود پیدا می کند. این نوع محبت در واقع سیر نزولی دارد که سر منشاء تمام آنها باعشق عجین شده است، اما بالاترین و کاملترین درجه به انسان داده است. (فراهانی پور، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

از این طریق است که این نوع محبت سیر نزولی دارد و بالاترین مرتبه این نوع اتصال به انسان تعلق دارد. انسان وقتی که این محبت حقیقی را دریافت می کند، اگر مشاهده گر منکری باشد خشمگین نمی گردد و با محبت و نرمی برخورد می کند، و از طریق این عشق و محبت است که طبع والای انسان به کارهای خیر منتهی می گردد. (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۴۶). در واقع در اینجا ابن سینا می خواهد بگوید که محبت باعث میشود روح انسان لطیف شود و وقتی روح لطیف شد، پذیرای عشق می گردد.

از نظر روزبهان از محبت است که عشق حاصل می شود در واقع شروع عشق از محبت شروع میشود: «عشق را مقدمات است، بدایت عشق را ارادت است، از آنجا به خدمت آیند، بعد از آن موافقت است، بعد از آن رضایت است، حقیقتش محبت است، آن از دو طرف در آید، از انعام معشوق و از رویت معشوق، اول عموم

است و دیگر خصوص. چون به کمال رسدد، شوق است، چون به حقیقت استغراق رسد، عشق نامیده می شود». (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۵).

«چون منبع عشق که محبت خاص است، حق را صفت آمد...». (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۱). «...جز محبت، محبت که صفت ذاتی است،... آن فنا نگیرد و زوال نپذیرد...». (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۲).

پس محبت و عشق مترادف هم هستند و یکی دیگر از صفات ذات اقدس است ذات اوست. محبت یکی دیگر از صفات حق است که از ازل وجود داشته است و حضرت حق در کتاب خویش آن را بیان کرده است و خودش را صاحب محبت می داند و از طریق همین محبت است که بر دل سالکان و دوست داران خویش تجلی کرده و این نوع محبت نسبت به ذات او استوار و پا برجاست. «(بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۴۴). وقتی انسان محبت خداوند در دل و جاننش غلبه کند، از این نوع محبت لذت می برد.

۲-۴. عشق به زیبا رویان:

ابن سینا و روزبهان بقلی از نیازمند بودن انسان به نگرستن در چهره زیبا رویان سخن رانده اند، که اساس و رکن اصلی رسیدن به زیبا روی اصلی، یعنی خداوند را، تزکیه نفس دانسته اند.

ابن سینا در رساله العشق به بررسی عشق به زیبا رویان پرداخته است، بر طبق این نظریه انسان نیازمند این است که زیبا رویان را مشاهده کند و به آنها محبت کند. اما برای این نوع محبت شروطی قائل است از جمله این که، اگر محبت به سمت قوای نفسانی تخصیص یابد، قوه ناطقه دچار نقص می گردد و این مستحق عقوبت می گردد چون گناه است، اما اگر صورت زیبا را با توجه به اعتبار عقلی بنگرد، در اینجا عشق با نفس ناطقه و قوه حیوانی شریک شوند، این خود راهی است برای افزایش خیر و از طریق این محبت است که راهگشایی می شود جهت متصل شدن به معشوق اصلی و حقیقی. و دلیل این اعتدال فعل ذات اقدس است که جهان احاطه کرده است (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۴۱۴-۴۱۵). در واقع آنچه که از این مبحث می توان مورد توجه قرار داد این است که انسان وقتی به سمت زیبا رویان متمایل میشود، در راستای رسیدن به عشق اصلی و حقیقی، نفس خویش را پالایش می کند و به همین دلیل است که انسانهای زیرک از این طریق معشوقی را برای خویش انتخاب می کنند. در واقع ابن سینا در اینجا به سمت زیبایی پرستی انسانی متمایل شده است.

روزبهان علت عشق ورزی خویش را به زیبا رویان چنین بیان می کند:

«آنگاه که از ملکوت و جبروت به سمت ناسوت بازگشتم، در من درد عشق پدید آمد و از نایافت جمال حق رنجور شدم. اما ناگاه متوجه شدم که می توان جمال الهب را در عالم حدث و انسانی نیز یافت؛ از قضا از سرای زیبا رویان گذر می کردم و ناگهان جمال صفات خداوند را در چهره زیبا رویان بازشناختم، چشم سرم صورت

زیبای انسان را می دید و چشم جانم جمال حق را. در این لحظه خداوند در من ندا داد که به دیده انسانیت در عالم انسانی نگر). (بقلی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۲).

در واقع روزبهان در این جا زیبایی انسان را مورد تمجید قرار می دهد. طبق این دیدگاه چنین است که عشق به انسانهای زیبا، جایگزین جمال ذات اقدس میشود، آن جمالی که در عالم ملکوت نظاره گر آن بوده است، نکته قابل تامل در این باب این است که، عشق ورزی روزبهان به زیبا رویان بدون شهوت بوده است. بنابراین این نوع عشق، یعنی عشق به زیبا رویان، نقطه اتصال عارف به جمال اصلی است، که این جمال، جمال خداوند است. بنا به نظر ستاری، عشق به این زیبا رویان، که در واقع شاهدان خدا هستند و مستوجب قهر و عقوبت نیست:

«پس زیبا رویان، شاهدان خدایند و دوست داشتنشان گناه و اشتباه نیست، چون تنها به وساطت و دستگیری آنان به خدا میتوان رسید و محال است که پیوند ولایت ایشان ما را به خدا راهبر نباشد، البته مشروط بر اینکه آنان را به خاطر زیبایی و جمالی که خود مظهر و صورت تجلی آن هستند، دوست بداریم و آینه که مادی و شکستنی است، با تصویر منعکس و نقش بسته در آن، یکی نپنداریم و از این تصویر، به اصل و مبدا آن راه بریم» (ستاری، ۱۳۷۴: ۲۵۰). بنابراین دوست داشتن زیبا رویان خطا نیست، چون آنها نقش میانجی دارند به شرطی که آنها را بخاطر آن نوع از زیبایی که تجلی گاه حق است دوست بداریم و با تصویر مادی یکی نپنداریم.

۲-۵. عشق و جمال:

ابن سینا و روزبهان در رابطه با عشق و جمال، دیدگاههای خویش را بر مبنای اینکه خداوند عاشق خویش میشود و چون عاشق خویش گشته، تمایل داشته که این زیبایی خویش را بر جهان متجلی کند، و از طریق همین انوار تجلی است که در کل جهان زیبایی خویش را گسترانیده است را بیان کرده اند.

از نظر ابن سینا زیبایی باعث رسیدن به عشق میشود، اگر این مراد حاصل نگردد حزن را در پی خواهد داشت، اگر بخواهیم در این مورد مثال بزنیم، نمونه آن سوره حضرت یوسف است که زمانی که حضرت یعقوب وابستگی خاصی داشت، اما زمانی که متوجه دسیسه برادران یوسف میشود ناراحت و غمگین و محبوس میگردد. تمایل انسان به عشق ورزی به خوبی و نیکی را غنیمت می شمارد و یقین دارد که این تمایل و آمادگی نفس انسان را ترکیه می کند و وقتی نفس انسان لطیف گردید، مشتاق روی زیبا می شود. «از هیبت خداوند فراموش کردم همه چیزها را که دیده بودم و دانسته چندان کشف و عظمت و لذت قربت حاصل آمد که گفتم. یعنی که چون علم من راه خود را یافت به معرفت و حدانیت نیز پرداختم». (ابن سینا، ۱۳۶۵: ۱۱۸-۱۱۷). در اینجا در واقع ابن سینا از لذتی که زیبایی جمال خداوند میبرد بیان می کند که چنان محور زیبایی حضرت حق گردیدم که فکر کردم مست شدم، در واقع ابن سینا می خواهد بگوید که با علم و معرفت زیبایی خداوند را مشاهده کردم و عاشق

شدم. ابن سینا در معراج نامه هم به عشق و جمال اشاره کرده است و داستان معراج پیامبر که گذر از تمام مراتب داشته و در نهایت به عالمی ورود پیدا می کند که خداوند در آنجاست بیان می کند «پس هم به علم او حواله کرد که ذاکر او همه علم است و علم او بیان ثنای ذات اوست نه به حرف و نه به صوت و نه به قول، که خود زینت خویش است و خود بهای خویش.» (همان: ۱۱۸). در واقع این مطلب بیانگر این است که پیامبر با رسیدن به مرحله وحدانیت نظاره گر جمال الهی می گردد و از این طریق است که به زیبایی حقیقی می رسد. همچنین ابن سینا در کتاب مبدا و معاد خویش از ارتباط تنگاتنگ بین عشق و زیبایی پرداخته است. از نظر ابن سینا هر گونه زیبایی و جمالی که درک شود، موجب لذت و سرخوشی میشود، با توجه به این که همه امور ناشی از ادراک است، یا ظنی و یا خیالی و یا وهمی است یا در نهایت عقلی. و هر چه قدر این نوع از ادراک عمیق تر باشد و وسعت پیدا کند، قوه مدرکه انسان بیشتر به سمت او متمایل میشود و او را بیشتر دوست دارد و در این حالت است که ذات اقدس که خود نهایت جمال و کمال است، به صورت کاملترین نحوه ادراک تعقل میکند. پس در اینجا هیچ تردیدی وجود ندارد که ذات اقدس نسبت به خویش بالاترین و گسترده ترین عاشق و معشوق است. (ابن سینا، ۱۳۳۲: ۲۱).

روزبهان اعتقاد بر این دارد که انسان زمانی به کمال می رسد که به جمال پرستی رهنمون شود. روزبهان بر این باور است که بخاطر وجود عشق است که جمال و زیبایی مورد توجه قرار می گیرد... تأثیر حسن با قبول جانها از رؤیت مستحسن معیاری شد، تا عاقلان امت، نیکویان بنی آدم را به محبت خلق با محبت حق موازنه کنند که قدر آن محبت - که محبوبان حق راست - در قدر محبت ایشان است آن مستحسنان را. و معلوم باشد که عاقلان حق را، که حق - سبحانه و تعالی - نخست نیکوان را برگزید پیش از نیکویی و آنگه نیکویی داد....» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۹). روزبهان بقلی در رابطه با سرچشمه عشق به جمال در کائنات بیان می دارد که ذات اقدس در ابتدا عاشق زیبایی خود می گردد و به این خاطر بود که تصمیم گرفت جهانی را خلق کند تا عشق خویش را در عالم هویدا کند و به این طریق بود که عشق او در کل جهان سلطه پیدا کرد. (قیصری، ۱۳۹۳: ۱۳).

« چون آن مرغان مقدس، جمال حق بدیدند، بدان جمال بدو عاشق شدند. به پیمان عشقش تا ابد پیمان کردند. عشقشان هر ساعت زیادت آمد، زیرا که معشوق قدیم نهایت ندارد. عشق از جمال او آمد، از آن بی منتهاست. عاشق جمال ازلی بودند از آن ابدی شدند...» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۶۶).

« در واقع ممکن نیست حسن و جمال را دوست نداشت و برترین نوع زیبایی در این خاکدان نیز جمال انسان است و از این رو آدمی، بهترین پذیرای تجلی حق و آینهی تمام نمای جمال الهی است. بی تردید زن زیبایی که روزبهان در مکه شناخت و ابن عربی از این واقعه آگاه بوده، آن را چنان نقل کرده که پیداست سخت تحت تأثیر

حادثه قرار گرفته (خاصه که خود نیز در مکه همچون روزبهان، با نظام عین الشمس آشنایی یافت) دختری واقعی بوده و نه خیالی، بلکه آینه دار طلعت حق» (ستاری، ۱۳۷۴: ۲۴۳).

«بررسی عشق از نظر روزبهان تنها در چارچوب مکتب جمال میسر است. در این مکتب و در نظر روزبهان، هستی جلوه‌های از جمال الهی می‌باشد و نخستین صادر، زیبایی و نخستین آفریده‌ی این زیبایی، موجودی به نام عشق است که با ایجاد گرما و اشتیاق، هستی را به حرکت واداشته و زندگی را به چرخش درآورده است» (افراسیاب پور، ۱۳۸۰: ۳۵۸-۳۵۷).

۶-۲. عشق و کمال:

ابن سینا و روزبهان از نظر این که از طریق رسیدن به عشق اصلی است که انسان به کمال می‌رسد، خط فکری مشترکی دارند و چون کمال حاصل می‌گردد موجب لذت و خوشی می‌گردد.

ابن سینا تعریفی عام از مفهوم عشق دارد که این تعریف عام همانا تمایل به سمت خیر و کمال است که نهایت آن به ابتهاج منتهی می‌شود، در واقع ابتهاج در مکتب فلسفی ابن سینا رسیدن به التذاذ است. (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۱۴۲).

از نظر ابن سینا، عشق حقیقی در واقع همان خوشی و انبساط از تصور ذات اقدس است، چون او کمال مطلق است (ابن سینا، ۱۳۸۶: ۳۸۸). مفهوم کمال از نظر ابن سینا همان عشق جبلی است که به صورت تمام و کمال در تمام کائنات ساری و جاری است، چون این عشق با لذت و خوشی همراه است. با توجه به این بخش می‌توان دریافت که ابن سینا نظر به این دارد که بگوید، که تمام موجودات تمایل دارند که به سمت کمال رهسپار شوند و از حالت بالقوه بودن به سمت فعلیت روانه شوند.

«عشق کمالی است که از کمال حق است. چون در عاشق پیوندد، از صرف حدوئیت به جمال الهیت ظاهر و باطنش ربّانی شود، معدن اصل طلب کند، از حوادث دهور و صروف زمان و تأثیر مکان متغییر نشود. چون در عین کمال بود، سواتر ربوئیت برخیزد و عاشق ربّانی با معدن اصلی برد، در ربط خاکی در اکتاف کرم محفوظ باشد، ارواح قدسی در حظایر قدس از تغیر عالم محجوب باشد. جز نقل از مقام به مقام نباشد. هرکه به عشق حق زنده شد، ذکر موت بر وی راه نیابد» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۴۱). آنچه که در اینجا مورد مذاقه روزبهان قرار گرفته، عشقی است که منجر به کمال می‌شود به این دلیل که از جمال و زیبایی خداوند است نشات می‌گیرد، پس هیچ نقصانی در آن راه ندارد.

۷-۲. عشق عقلی:

بنا به نظر ابن سینا و روزبهان، عشق عقلی، بالاترین و اصلی ترین نوع عشق است، هردو عشق عقلی را مورد تمجید قرار داده اند، این نوع عشق، عشق به زیبایی واجب الوجود است و این زمانی رخ می دهد که عارف خویش را از آلودگی ها مبرا کند، و فقط در چنین حالتی است که انسان شایسته رسیدن به عشق اصلی است. سجادی عشق عقلی را این گونه تفسیر می کند: عشق عقلی عشقی است که مختص به دوست داران درگاه ذات اقدس است و سر منشاء آن ذات اقدس است (سجادی، ۱۳۶۱: ۳۵۸).

بنا به گفته مفتونی در رابطه با عشق عقلی ابن سینا: «ابن سینا عشق به مطلوب عقلی را با عنوان محبت عقلی و عشق قوای عقلی چنین وصف می کند: محبت عقلی به اموری که ذاتا زیبا و کامل و لذت آفرین و بری از تغیر و فسادند، تعلق می گیرد و عشق قوای عقلی، به چنین اموری است و این عشق به سبب شباهت به معشوق، هرگز از بین نمی رود. از آنجا که محبت و عشق عقلی، عشق به زیبایی بالذات و حقیقت کامل است و عالی ترین متعلق زیبایی ذاتی و حقیقت کامل، واجب الوجود است، پس مصداق برترین معشوقیت، واجب الوجود است. البته او مصداق اتم عاشقیت نیز است؛ چرا که مصداق اتم هر دو مولفه عاشقی، ادراک و خیر (جمال، کمال، حسن) است. پس او عاشقترین معشوق است» (مفتونی، ۱۳۹۱: ۶). وقتی بدن عارف از آلودگی مبرا شود به عالم قدس رهنمون میشود و در اینجا با کمال که همان ذات اقدس است هم زیست میشود. و لذتی بزرگ از این نوع معرفت به دست می آورد در این حالت است که عارف پرهیزگار از انواع لذایذ عقلی مستفیض می شود، البته که این نوع از لذت عقلی متعلق به بدن مادی عارف است. این لذت عقلی گاهی به حدی مجذوب میشود که عارف نسبت به همه چیز غفلت می ورزد. (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۴۳۱-۴۳۰).

ابن سینا درجایی دیگر از شریف تر بودن عقل نسبت به حس سخن رانده و این گونه بیان کرده است که چون عقل شریف تر از حس است، پس هر چیزی که ملایم و هماهنگ با عقل است با شرف تر از ملایم حس است. چون عقل هرگز زایل نمی گردد، اما آنچه مرتبط با حس است فنا پذیر است. (ابن سینا، ۱۳۵۰: ۷۷). در این جا می بینیم که ابن سینا عشق عقلی را ستوده و آن را ستایش می کند.

«کمال خاص نفس ناطقه این است که به عالمی عقلی مبدل شود و صورت کلی و نظام معقول و تمام خیر افزانه شده از مبدا کل، در وی مرتسم گردد، او در این سیر به سوی جواهر شریفه و از آنجا به روحانیت مطلقه و بُعد روحانیت متعلقه به ابدان و از آنجا در اجسام علویه گام مینهد، او این سیر و سلوک را آنقدر ادامه میدهد تا هیأت وجود به طور کلی در وی فراهم گردیده و از این رهگذر عالم معقول موازی با کل عالم موجود شود» (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۶۸۶). در این جا هم میتوان شاهد این بود که ابن سینا در کتاب النجاه خویش هم به برتری عقل اذعان کرده است و از آن به عنوان راهی به سوی کمال پرده برداشته است.

«... اما عشق عقلی؛ از سیر عقل کل در جوار نفس ناطقه در عالم ملکوت از لویح مشاهدهی جبروت پدید آید. این آغاز عشق الهی است؛ اما عشق الهی، ذرومی علیاست، درجه ی قصوی است و آن را بدایات است. انبساط و نهایت جز از مشاهدهی جلالی و جمالی برنخیزد». (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۷-۱۶). هر زمان از درپچه های جان، عقل کل به عالم غیب در نگرد، و در کارخانه جمال به رقلم انوار نقوش اسرار ببند، طراوت سر عشق را بر مزید کند» (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). «بی اختیار چشم جانم در آن آینه بماند و شور عشق بر من غالب شده بود، دیده جان در صانع بماند، و چشم عقل از کافری در صناعت؛ به چشم جان، جمال قدم دیدم، و به چشم عقل صورت آدم فهم تصرف کرد». (همان: ۵). طبق بیانات روزبهان، شور عشق را از طریق عقل خویش نظاره کرده است و از طریق عقل جان است که روزبهان موفق شده است جمال حضرت حق را نظاره گر باشد و تازگی اسرار عشق را بر او افزونی پیدا می کند و از این طریق است که برای عارف که نظاره گر جمال و جلال خداوند است نوعی شادمانی حاصل می گردد و به این صورت است که روزبهان عشق عقلی را مورد تایید خویش قرار می دهد.

۸-۲. عشق بهیمی:

از نظر ابن سینا و روزبهان، عشق بهیمی، بی ارزش ترین نوع عشق است، زیرا که خواستگاه آن تمایلات شهوانی و نفوس حیوانی است.

در بیان عشق بهیمی ابن سینا این گونه بیان داشته است: «هرگاه پیوسته شود و منظم گردد به هر یک از قوای نفسانی، یک قوه ای که نسبت به آنها از حیث رتبه اعلا و اشرف باشد، نظر به شرافت ذاتی آن قوه عالی که در قوای نفسانی هم قهرا هم تاثیر کلی نموده، ناچار در افعال صادره از آنان نیز موثر خواهد بود، چه از جهت حسن عمل و لطافت نفس و متفعن بودن آن برای رسیدن به غرض مطلوب. قوه شهوی و حیوانی که موید قوه نامیه است و دفع کننده است آنچه را اسباب نقصان ماده او گردد و مانع وصل به رسیدن مقصودش می شود». (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۴۱۴).

اگر انسان زیبایی جهره ای را ستایش کند، این نوع دوستی و عشق برگرفته از لدت حیوانی است که سرمنشا آن شهوت بهیمی می باشد و در این حالت است که سرنوشت آنها مانند اهل فجور است و در این حالت است که مستلزم سرزنش است، این نوع عشق به انسانهای رذل و دونمایه تعلق دارد.

«عشق بهیمی، رذال خلق را باشد، اهل خمر و فساد و زمر و فسق و ارتکاب معاصی جز به تاثیر هوی نیست. از میلان نفس اماره باشد که بدان فتد تا مهیج شهوات مذمومه شود تا به حدی برسد که ضعف حیوانی که عین شهوت فطرت است در اصل خویش، بعد از صحبت محبوب و الفت با وی که یکدم است، از علاقه حرقت آتش شهوت نفس اماره برهد و این در جهان عقول و نزد شریعت، چون بر احکام و امر الهی نباشد مذموم

باشد. اما آنچه طبیعی است، که از لطافت عناصر اربعه است که مهیج آن، در سمت راست، نفس ناطقه است و در سمت چپ، نفس اماره است و در بالا، نفس کل است و در زیر، نفس فریبنده است، اگر غلبه عقلیات و روحانیات را باشد، محمود است. اگر نه که میلان طبع جسمانی است، در محل عشاق، مذموم است و آرزوی این طایفه هر دو چون عقل و علم غالب نیست. جز هاویه ی دوزخ نیست. اینجا به این آتش بسوزد که شهوت حیوانی است و آن جا به آن آتش بسوزند که آتش جسمانی است.» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۶-۱۵). در اینجا می بینیم که عشق بهیمی از نظر روزبهان، عشقی است که با نفس اماره انسان ارتباط مستقیمی دارد، روزبهان این نوع عشق را تایید نمی کند.

۹-۲. عشق عقیف:

بنا به نظر ابن سینا و روزبهان، عشق عقیف عشقی است که نیاز مند این است که از عشق انسانی به این مرحله برسیم، چون باید دچار تزکیه نفس شویم، که بتوانیم به این عشق نائل گردیم. «در نظر او عشق عقیف عشقی است که در آن به شمایل معشوق توجه می شود. ولی شهوت در آن سلطه و غلبه ندارد. بنابراین ابن سینا دو نحوه عشق به زیباییهای انسانی را از هم متمایز می سازد: عشق پاک و عقیف و عشق آلوده و شهوانی.» (مفتونی، ۱۳۹۱: ۴۰) ابن سینا در کتاب اشارات و تنبیهات از عناوین عشق انسانی، البته عشق انسانی که نشأت گرفته از لطافت نفس باشد و مانع از افکار باطل باشد اشاره کرده است (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۳).

ابن سینا عشق انسانی را ستوده است چون باعث تحول در انسان میشود، و دلیل آن هم این است که باطن انسان لطیف می گردد و بعد از آن روح لطیف می گردد و از این طریق است که چهره معشوق فرمانروایی می کند، و به طور کلی شهوت مطرود می گردد. (همان: ۳۸۰).

بنا به گفته کربن: روزبهان، عشق انسانی و ربانی هر دو از یک سنخیت نام برده است، نه از باب عنوان، بلکه سخن از دگرگون شدن انسان عاشق است (کربن، ۱۳۸۷: ۴۰۴). «چون جان به عشق انسانی تربیت یافت و در سر عاشق راسخ شد، و دل به آتش عشق از خطرات نفسانی و شیطانی تهذیب یافت، ... نفس اماره در تحت لگد قهر عشق، مطمئن گشت...» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۹۹)

۳. نتیجه گیری:

عرفا و فلاسفه هر کدام بر طبق مکتب خویش به گونه ای به مفهوم عشق پرداخته اند. آنچه در این جستار گذشت نشان داد که ابن سینا به عنوان فیلسوف از دو بعد فلسفی-عرفانی به مقوله عشق نگریسته است. هر چند ابن سینا

فیلسوف مکتب عشق شناسی بوده است اما در بیشتر موارد عشق شناسی خویش از بعد عرفانی به مبحث عشق پرداخته است.

همچنین روزبهان به عنوان عارف مکتب عشق شناسی، از بعد عرفانی به مقوله عشق پرداخته است. با توجه به تقدم زمانی ابن سینا نسبت به روزبهان بقلی، روزبهان در برخی موارد عشق شناسی، تحت تاثیر ابن سینا قرار گرفته است. از جمله موارد مشترکی که بین آنها رخ داده است در نه مقوله مورد بررسی قرار گرفته است: ماهیت عشق-سریان عشق در نظام هستی-عشق و محبت-عشق به زیبا رویان-عشق و جمال-عشق و کمال-عشق عقلی-عشق بهیمی-عشق عقیف. آنچه ماحصل این اشتراکات رخ داد نشان داد؛ هر دو به غریزی بودن عشق و نهادینه شدن در بین تمام کائنات هم عقیده هستند و بین عشق و محبت رابطه ای ناگسستی می دانند که بدون محبت عشق حاصل نمی گردد و همچنین بدون عشق محبت حاصل نمی گردد. در باب عشق به زیبا رویان راه رسیدن به عشق اصلی را نگرستن به چهره زیبا رویان دانسته اند. در بحث عشق و جمال، چون خداوند عاشق زیبایی خویش میشود، تمایل داشته که جهانی را خلق کند و عشق خویش را متجلی کند و راه را برای رسیدن به عشق اصلی را باز کرده است و از طریق کمال است که انسان به عشق اصلی متصل می‌گردد، عشقی که همراه با لذت و خوشی است. عشق عقلی بالاترین نوع عشق است و آن را مورد تمجید قرار داده اند. عشق بهیمی نازلترین نوع عشق است چون برگرفته از تمایلات شهوانی و نفسانی است و در باب عشق انسانی، از طریق گذر از عشق انسانی است که راه رسیدن به عشق ربانی حاصل می‌گردد، چون باعث تزکیه نفس می‌گردد. در کل تمام آنچه در این مقال رخ داد نشان دادن در تمام مباحث عشق شناسی بین ابن سینا و روزبهان و در تمام مولفه های مشترک عشق شناسی آنها، همه این موارد به عشق اصلی، یعنی ذات اقدس منتهی می‌گردد.

فهرست منابع:

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۴). اشارات و التنبیهات. مترجم: شرح طوسی و محاکمات رازی، تحقیق: کریم فیضی، قم: مؤسسه مطبوعات دینی.
- ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۳۲). مبداء و معاد. مترجم، محمود شهابی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۶۳). اشارات و تنبیهات. مترجم: حسن ملکشاهی. تهران: انتشارات سروش.
- ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۷۹). النجاه من الغرق فی بحر الضلالات. مترجم: محمد تقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۶۵). معراج نامه. مقدمه: مجید مایل هروی. مشهد: مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی.

ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۷۵). اشارات و تنبیهات. با شرح محقق طوسی. قم: نشر بلاغت.

ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۸۶). الاشارات والتهیهات. مع خواجه نصیرالدین طوسی. قم: انتشارات مطبوعات دینی.

ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۶۳). قانون در طب. ترجمه عبدالرحمن شرف کندی. تهران: انتشارات سروش. جلد ۲.

ابن سینا، حسین عبدالله. (۱۳۸۸). رسائل ابن سینا. مترجم: محمود شهابی ضیاء، ضیاالدین دری، محمد مهدی فولادوند تهران: انتشارات آیت اشراق

ابن سینا، حسین عبدالله، (۱۳۵۰). رساله اضحویه. مترجم: (نامعلوم)، با تصحیح حسین خدیو جم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

اسفندیار، محمود. سلیمانی کوشالی، فاطمه. (۱۳۸۹). «مفهوم عشق از دیدگاه روزبهان بقلی»، پژوهشنامه ادیان. شماره ۷. صص ۴۶-۳۲.

افراسیاب پور، علی اکبر. (۱۳۸۰). زیبایی پرستی در عرفان اسلامی. تهران: انتشارات طهوری.

افشونی، زینب (۱۳۹۲). عشق از دیدگاه روزبهان بقلی شیرازی. پایان نامه ارشد. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۶۶). . عبهرالعاشقین. تصحیح: محمد معین. تهران: انتشارات: منوچهری.

بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۰). عبهرالعاشقین. به تصحیح و مقدمه جواد نوربخش. تهران: انتشارات یلدا.

بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۶۰). شرح شطیحات. تصحیح و مقدمه هنری کوربن، تهران: انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران.

بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۸). عرایس البیان فی حقایق القرآن. مترجم: علی بابایی. تهران: نشر مولی.

بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۴۴). شرح شطیحات. به تصحیح و مقدمه هنری کوربن. تهران: انتشارات طهوری.

حیدری، مریم. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه ای مفهوم، لوازم و آثار عشق از دیدگاه ابن سینا رو مولانا. پایان نامه ارشد. دانشگاه شیراز.

حیدری، آغاماه. (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی تطبیقی عشق در آثار ابن سینا، ملاصدرا، مولانا و عطار. پایان نامه ارشد. دانشگاه رازی

خادمی، عین الله. باغخانی، اکرم. (۱۳۹۳). «تبیین دیدگاه هستی شناسانه ابن سینا پیرامون عشق». پژوهشهای هستی شناختی. شماره ۵. صص ۶۹.

رحیمی زنگنه، ابراهیم. شکری، همایون. (۱۳۹۴). «رابطه حسن و عشق در عرفان اسلامی». مجموعه مقاله های دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی. دانشگاه محقق اردبیلی. صص ۱-۶.

- زارع، الهه (۱۴۰۰). «سریان عشق در هستی و ارتباط آن با وحدت وجود از نظر برخی حکمای شیراز) غیاث‌الدین دشتکی، جلال‌الدین دوانی و ملاصدرا»، پژوهشنامه عرفان، شماره ۲۴، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۶۱). فرهنگ علوم عقلی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۳). «عشق طریقی به سوی کمال انسانی (مقایسه بین نگاه ابن سینا و ملاصدرا)». نشریه تاریخ فلسفه. شماره ۴. صص ۳۵-۵۸.
- ستاری، جلال. (۱۳۷۴). مدخلی بر رمزشناسی عرفانی. تهران: مرکز.
- سهروردی، شیخ شهاب‌الدین. (۱۳۸۸). آثار فارسی شیخ شهاب‌الدین سهروردی. ویرایش: فرشیداقبال. تهران: انتشارات سبکباران.
- شانظری، جعفر. یاریان، مجید. (۱۳۹۳). «رساله‌العشق ابن سینا و تاثیر آن در ملاصدرا». نشریه ادیان و عرفان. شماره یک. صص.
- فراهانی پور، فرزانه (۱۳۹۴). عشق و نقش آن در کمال انسان از منظر ایت سینا و ابن عربی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فراهانی پور، فرزانه. (۱۳۹۱). عشق و نقش آفرینی آن در کمال وجودی انسان با تکیه بر آراء ابن سینا و ابن عربی. دانشگاه پیام نور.
- فولادی، علیرضا. (۱۳۸۳). زبان عرفان. تهران: نشر سخن.
- قیصری، شرف‌الدین داوود بن محمود. (۱۳۹۳). رسائل قیصری. مترجم: حیدر شجاعی. تهران: انتشارات مولی کاظمی فر، معین. (۱۳۹۸). «روزبهان و عشق به زیبا رویان: تحلیل ساختگرایانه تجربه های عرفانی روزبهان». نشریه مطالعات عرفانی. ش ۳۰. صص ۱۷۹-۲۰۶.
- کرین، هانری. (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه اسلامی. مترجم: جواد طباطبایی. تهران: نشر کویر.
- کرین، هانری. (۱۳۸۷). آفاق تفکر معنوی در اسلام. مترجم: باقر پرهام. تهران: انتشارات نشر فروزان.
- کریمی نیا، مصومه (۱۳۹۵). تحلیل و طبقه بندی عشق و مفهوم آن از دیدگاه عین القضاة همدانی و روزبهان بقلی. پایان نامه ارشد، دانشگاه سمنان.
- کلهر، زهرا. میرزایی، حمید (۱۳۹۷). «تفاوت عشق شناسی سینوی و افلاطونی». نشریه فلسفه و کلام اسلام. ش اول. صص ۱۴۹-۱۳۱.
- مرزانی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی سریان عشق در کائنات در تفاسیر فلسفی و عرفانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

مفتونی، نادیا (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی همه عاشق انگاری نزد ابن سینا و شیخ اشراق». فصلنامه علمی پژوهشی حکمت سینوی (مشکوه النور). سال ۱۶.
منصوری لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۸۰). ساحت ربوبی. تهران: موسسه انتشارات آیه.
نزهت، بهمن. مظفری، علیرضا. جبارپور، سمیه (۱۳۹۷). «سیر و تطور نظریه «عشق» در آرا و اندیشه های عرفانی-فلسفی روزبهان و ابن دباغ». نشریه متن پژوهی ادبی. ش ۷۶. صص ۳۲-۸.
نیاز کار، فرح (۱۳۹۵). «سلوک عشق در مکتب سعدی و روزبهان». فصلنامه عرفانیات در ادب فارسی. صص ۹۸-۱۲۹.

References

- Ibn Sina, Hussein bin Abdullah. (۱۳۸۴). Al-Sharat and Al-Tanbihat. Translator: Tusi's Commentary and Razi's Trials, research: Karim Faizi, Qom: Religious Press Foundation.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۳۶). Origin and resurrection. Translator, Mahmoud Shahabi. Tehran: Tehran University Press.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۶۳). Warnings and Punishments. Translator: Hassan Malekshahi. Tehran: Soroush Publications.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۷۹). Al-Najah I am drowning in the sea of confusion. Translator:
Mohammad Taghi, scholar. Tehran: University of Tehran.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۶۵). Ascension letter. Introduction: Majid Mayel Harvi. Mashhad: Astan Quds Razavi Research Center.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۷۵). Hints and reprimands. With the description of Mohaghegh Tusi. Qom: Balaghat Publishing House.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۸۶). With Khwaja Nasiruddin Tusi. Qom: Religious Press Publications.
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۶۳). Law in Medicine. Translation by Abdul Rahman Sharaf Kandi. Tehran: Soroush Publications. Volumes ۲
- Ibn Sina, Hossein Abdullah. (۱۳۸۸). Letters of Ibn Sina. Translator: Mahmoud Shahabi Zia, Ziauddin Dari, Mohammad Mahdi Foulad Vand. Tehran: Ayat Eshraq Publications

Ibn Sina, Hossein Abdullah, (۱۳۵۰). Adhawieh treatise. Translator: (unknown), edited by Hossein Khadio Jam, Tehran: Antarat Farhang Foundation of Iran

Esfandiar, Mahmoud. Soleimani Koshali, Fatemeh. (۱۳۸۹). "The concept of love from the point of view of Rozbahan Baghli", Research Journal of Religions. Number ۷. pp. ۳۲-۴۶.

Afrasiabpour, Ali Akbar. (۱۳۸۰). Aestheticism in Islamic mysticism.. Tehran: Tahuri Publications.

Afshoni, Zainab (۲۰۱۲). Love from Rozbahan Baghli Shirazi's point of view. Master's Thesis. Shahid Rajaei University of Education

Baghli Shirazi, Rozbahan (۱۳۶۶). Abar al-Ashqin. Edited by: Mohammad Moin. Tehran: Publications: Manochehri Baghli Shirazi, Rozbahan (۲۰۰۸). Abhar al-Ashqin. Edited and introduced by Javad Noorbakhsh. Tehran: Yalda Publications.

Baghli Shirazi, Rozbahan. (۱۳۶۰). .Description of Shatihah. Edited and introduced by Henry Corbin, Tehran: French Iranian Studies Association in Tehran.

Baghli Shirazi, Rozbahan. (۲۰۰۸). Arais al-Bayan in the truths of the Qur'an. Translated by: Ali Babaei. Tehran: Molly Publishing.

Baghli Shirazi, Rozbahan. (۱۳۴۴). Description of Shatihah. Edited and introduced by Henry Carbone. Tehran: Tahori Publications.

Heydari, Maryam (۲۰۱۲). A comparative study of the concept, accessories and works of love from the perspective of Ibn Sina and Maulana. Senior Thesis. Shiraz University.

Heydari, Aghamah (۲۰۱۷). A comparative analytical study of love in the works of Ibn Sina, Mulla Sadra, Molana and Attar. Senior thesis. Razi University

Rahimi Zanganeh, Ibrahim. Shokri, Homayoun. (۲۰۱۴). "The relationship between beauty and love in Islamic mysticism". Collection of articles of the ۱۰th International Conference on the Promotion of Persian Language and Literature. Mohagheg Ardabili University. pp. ۱- Zare, Goddess (۱۴۰۰). "The flow of love in existence and its connection with the unity of existence according to some sages of Shiraz (Ghiyas al-

- Din Dashtaki, Jalal al-Din Devani and Mulla Sadra)". Irfan Research. No. ۲۴.. pp. ۱۳۶-۱۱۵.
- Sajjadi, Seyyed Jaafar. (۱۳۶۱). Culture of Intellectual Sciences. Tehran: Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Soleimani, Fatemeh (۲۰۱۳). "Traditional love towards human perfection (comparison between Ibn Sina's and Mulla Sadra's view)". History of Philosophy Journal. Number ۴. pp. ۳۵-۵۸.
- Sattari, Jalal. (۱۳۷۴). An entry on mystical cryptology. Central Tehran.
- Suhrawardi, Sheikh Shahabuddin. (۱۳۸۸). Persian works of Sheikh Shahabuddin Suhrawardi. Editing: Farshidaqbal. Tehran: Sokhbaran Publications.
- Shanzari, Jaafar. Yarian, Majid. (۲۰۱۳). "Ibn Sina's treatise on love and its effect on the Madrasah". Adyan and mystics magazine, number one, pp.
- Farahanipour, Farzaneh (۲۰۱۴). Love and its role in human perfection from the perspective of Ibn Sina and Ibn Arabi. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Farahanipour, Farzaneh. (۲۰۱۲). Love and its role in the perfection of human existence based on the views of Ibn Sina and Ibn Arabi. Payam Noor University.
- Fuladi, Alireza. (۱۳۸۳). The language of mysticism. Tehran: Sokhon Publishing House.
- Qaysari, Sharafuddin Dawood bin Mahmoud. (۲۰۱۳). Rasael Kaysari. Translator: Haider Shujaei. Tehran: Molly Publications
- Kazemifar, Moein. (۲۰۱۸). "Ruzbehan and love for Ziba Royan: Constructivist analysis of Rozbehan's mystical experiences". Journal of Erfani Studies. ۳۰. pp. ۱۷۹-۲۰۶.
- Carbon, Henry. (۱۳۸۷). History of Islamic philosophy. Translator: Javad Tabatabai. Tehran: Nash Kavir.
- Carbone, Henry. (۱۳۸۷). The horizons of spiritual thinking in Islam. Translator: Bagher Parham. Tehran: Forozan Publishing House.
- Kariminia, Massoumeh (۲۰۱۵). Analysis and classification of love and its concept from the perspective of Ain al-Qadat Hamdani and Rouzbahan Baghli. Senior thesis, Semnan University.

Kalhor, Zahra Mirzaei, Hamid (۲۰۱۷). "Difference between Sinui and Platonic love studies". Islamic Philosophy and Kalam Journal. Vol. ۱. pp. ۱۳۱-۱۴۹.

Marzani, Zahra (۲۰۱۲). Examining the flow of love in the universe in philosophical and mystical interpretations. Master's thesis, University of Qom.

Maftoni, Nadia (۱۳۹۱). "Comparative study of all love in Avicenna and Sheikh Ashraq". Hikmat Sinavi Scientific Research Quarterly (Mishkoh Al Noor). Year ۱۶.

Malbobi, Fatemeh (۲۰۱۱). Love and beauty from the point of view of Ibn Sina and Sheikh Ashraq. Senior thesis, Al-Zahra University, Tehran.

Mansouri Larijani, Ismail. (۲۰۱۰). Sahat Raboubi. Tehran: Aye Publications Institute.

Nazhat, Bahman. Mozafari, Alireza. Jabarpour, Samieh (۲۰۱۷). "The course and development of the theory of "love" in the opinions and mystical-philosophical thoughts of Rozbahan and Ibn Dabagh".

Niazkar, Farah (۲۰۱۵). "The behavior of love in the school of Saadi and Rozbahan." The mysticism quarterly in Persian literature. pp. ۱۲۹-۹۸.

The concept of love in the thought of Ibn Sine and Rouzbihan

Baqli Shirazi

Samira Afraz

Doctoral student, Department of Philosophy of Art, Faculty of Arts, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ismail Bani-Ardalan (author in charge)

Associate Professor of Art Research Department, University of Art, Tehran, Iran

Hadi Rabiei

Assistant Professor, Philosophy of Art Department, University of Arts, Tehran, Iran

One of the most important issues in the field of mysticism and philosophy is the concept of love. Love

has brought different interpretations since its arrival in the field of philosophy and mysticism. Most of the sublime thoughts of philosophers and mystics are placed in this topic. In the meantime, two important philosophical-mystical perspectives have been used to explain the concept of love. Ibn Sine and Ruzbihan Baqli, as two prominent figures in the school of love, as philosophers and mystics, have presented extensive discussions in the field of love. In this research, using the ideas of Ibn Sina and Rozbihan Baqli; we analyze the content of the concept of love in a method. An analytical description has been given to them. by describing and explaining the concept of love in the thought of these elders, it will be observed, considering Ibn Sine Temporal superiority over Ruzbihan Baqli. Ruzbihan has been influenced by Ibn Sine school of love in many of his opinions, among these there are common points between The thoughts of these two philosophers and mystics are there, and the effects of Ibn Sine in the field of love will be clearly evident today. Among the most important common points used in these discussions are the nature of love, the flow of love in the system of existence, love and affection , love for beauty, love and beauty, love and perfection, intellectual love, animal love, chaste love, in the end this research shows that although in some cases they used their own terms, but in the end their intellectual origin reached Man is united by love, that is, the Holy Essence.

Key words: love, philosophy, mysticism, Ibn Sine, Ruzbihan Baqli